

تبیین جامعه‌شناختی رابطه عملکرد پلیس جامعه محور و احساس امنیت^۱

قدیر بخشی جغناپ^۲، مهران سهراب زاده^۳

از صفحه ۲۱۵ تا ۲۴۲

تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۲۷

چکیده

هدف و زمینه: احساس امنیت، امری جامعه‌شناختی و نوعی الزام اجتماعی است که از عاملیت فردی عبور کرده و به مثابه عنصری ساختاری و جمعی عمل می‌کند. احساس امنیت/ناامنی، گرچه در نوع فردی رخ می‌دهد، اما بازتابی از نیروهای جمعی یا بازنمایی‌کننده مسائل محیطی و اجتماعی است و بر همین اساس با ساختار، زمینه‌های اجتماعی، نهادهای و سازمان‌های نظام اجتماعی به ویژه عملکرد نهاد انتظامی (پلیس و ...) ارتباط می‌یابد. به طور کلی هدف از تحقیق حاضر، بررسی و تبیین تاثیر عملکرد پلیس جامعه محور بر احساس امنیت شهروندان است.

روش تحقیق: روش پژوهش حاضر پیمایش، به لحاظ هدف کاربردی و از نظر سطح تعمیم، به صورت پهنانگر اجرا شده است. جهت حصول اطمینان از اعتبار پرسشنامه، از اعتبار محتوایی و اعتبار ساختاری با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی و برای سنجش پایایی مقیاس‌ها، از ضریب الفای کرونباخ استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش، شهروندان ساکن در شرق استان تهران در گروه سنی ۱۵-۶۴ سال و تعداد نمونه ۳۸۴ نفر بوده و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب گردیده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از شاخص‌های آماری، گویای این است که در مجموع، میزان احساس امنیت جمعیت مورد مطالعه در حد متوسط می‌باشد. نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین مولفه‌های عملکرد پلیس جامعه محور (مشارکت محوری، اعتمادسازی، حمایت از اقرار آسیب‌پذیر، پابندی به ارزش‌های اخلاقی و حرفه‌ای، رضایت اجتماعی از عملکرد پلیس، پیشگیری از جرم، عملکرد پلیس در برخورد با جرم، ترس از جرم، آموزش همگانی و رعایت حقوق شهروندی) و احساس امنیت شهروندان، رابطه معناداری وجود دارد و نتایج تحلیل رگرسیونی و تحلیل مسیر نشان می‌دهد که ۵۶ درصد از واریانس متغیر احساس امنیت اجتماعی تبیین گردیده و با توجه به معنادار بودن آماره فیشر می‌توان گفت که مجموع متغیرهای مستقل مذکور دارای ضریب تاثیر معنی‌دار در مدل مسیر بوده‌اند.

کلید واژه‌ها: احساس امنیت، پلیس جامعه محور، مشارکت اجتماعی.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران در دانشگاه کاشان است.

۲. دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان، ایران. نویسنده مسئول. ali_reza_bakhshi83@yahoo.com

۳. دانشیار و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان، ایران. ms3102002@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

نظم و امنیت اجتماعی همواره به عنوان کلیدی ترین سازه در آراء و نوشته های حوزه علوم اجتماعی بوده اند. به گونه ای که طیف وسیعی از دانشمندان علوم اجتماعی بر این مهم تاکید دارند. بی تردید توجه به نظم و امنیت اجتماعی در جوامع جدید که با تغییرات پرشتاب و نیز مخاطرات گسترده مواجه هستند، در قیاس با جوامع سنتی، نیاز به کنکاش و بررسی بیشتری دارند (غفاری، ۱۳۹۲: ۳). امنیت و احساس امنیت با طرح مسائلی چون جامعه خطرپذیر، امنیت وجودی، رفاه اجتماعی و هویت اجتماعی در قرن بیستم وارد مطالعات تجربی شد (بیات، ۱۳۸۸: ۹).

امنیت، نخستین عاملی است که سبب می شود انسان ها کنار هم آیند، از نیروی هم بهره گرفته و در مسئولیت های اجتماعی مشارکت جویند تا آسوده تر و متعهدتر به زندگی خود ادامه دهند (صالحی امیری و افشار نادری، ۱۳۹۰: ۵). امنیت دارای بار معنایی بسیار گسترده ای است، به گونه ای که از حالات و موقعیت های ذهنی (احساس امنیت) تا موقعیت های عینی و بیرونی (موقعیت ایمن) را در بر می گیرد (بی زبان، ۱۳۹۱: ۵۵). ملور^۱ (۲۰۰۰) معتقد است که امنیت در مفهوم عینی به اندازه گیری فقدان تهدید علیه ارزش ها و امنیت در مفهوم ذهنی به فقدان ترس از این که چنین ارزش هایی مورد حمله قرار گیرد، اشاره می کند (بیات، ۱۳۸۸: ۳۲). احساس امنیت ناشی از تجربه های عینی و اکتسابی افراد از شرایط و اوضاع پیرامونی آن است و فقط به شاخص عینی امنیت قابل تقلیل نیست (دلاور، ۱۳۹۰: ۵). احساس امنیت به لحاظ روش شناسی، سازه ای چند بعدی است و در ارتباط با شرایط اجتماعی و افراد مختلف به گونه های متفاوت ظهور یافته و به اشکال مختلف نیز قابل سنجش و اندازه گیری است (بیات، ۱۳۸۶: ۴).

از چند دهه اخیر، تغییراتی اساسی در شرایط اجتماعی زندگی بشر و نظام اجتماعی رخ داده است و اندیشمندان اصطلاحات متفاوتی را برای توصیف این تغییرات به کار برده اند: عصر بی اطمینانی (گالبرایت)^۲، عصر اضطراب (باومر^۳، ۱۳۸۵)، جامعه

1-Melor

2-Galbraith

3-Baumer



مخاطره (بک^۱، ۲۰۰۷)، وضعیت پست مدرن (لیوتار^۲، ۱۳۸۱) و فرهنگ مخاطره (گیدنز^۳ و پیرسون، ۱۳۸۰). این مفاهیم همه به شرایط عدم اطمینان دوران اخیر زندگی انسان اشاره دارد و یکی از مهم ترین پیامدهای این بی اطمینانی، ناامنی و احساس عدم امنیت است (غفاری، ۱۳۹۲).

مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری با همکاری موسسه آینده بان، ۱۰۰ مساله اصلی کشور در سال ۱۳۹۷ شمسی را از دیدگاه نخبگان حوزه های مختلف به ترتیب اولویت، دسته بندی نموده است که در این دسته بندی؛ امنیت روانی و اجتماعی در (اولویت ۱۶) قرار گرفته است و در اولویت های دیگر نیز مسائل و موضوعات دیگری آمده است که به برخی از آن ها که به نوعی در این پژوهش نیز مورد توجه قرار گرفته اشاره می شود: سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی (اولویت ۶)؛ بی تفاوتی اجتماعی (اولویت ۷)؛ حقوق اساسی و شهروندی (اولویت ۱۹)؛ قضاوت افکار عمومی درباره عملکرد حکومت (اولویت ۲۲)؛ امنیت نظامی (اولویت ۴۱)؛ قطبی شدگی جامعه (اولویت ۴۷)؛ مرکزگریزی از الگوهای هنجاری رسمی (اولویت ۶۴) و مخاطرات امنیتی گروه های تکفیری (اولویت ۸۸).

شواهد نظری و تجربی مذکور، حکایت از بروز و ظهور مساله اجتماعی با عنوان احساس ناامنی شهروندان در سطح جامعه به خصوص در جامعه مورد بررسی در این پژوهش (شرق استان تهران) دارد که به عنوان حاشیه کلان شهر تهران و دارای بیشترین زمینه ها و بسترهای بروز ناامنی است. بر اساس یافته های تحقیقات مختلف، احساس ناامنی معمولا در کلان شهرها و حاشیه آن ها که حلقه تعاملات اجتماعی گسترده تر است نسبت به شهرهای کوچکتر که بافت های سنتی و هنجارهای اجتماعی، محدودیت کافی را برای مقابله با ناامنی ایجاد می نمایند، محسوس تر است. نوظهور بودن و رشد بادکنکی جوامع شهری، تراکم و تکثر جمعیت درون آن، همراه با تحرک بی سابقه جغرافیایی، در نتیجه رشد و گسترش فردیت گرایی، موجبات تنهایی، غربت انسان ها و در انتها کاهش امنیت فکری و روانی را فراهم ساخته است. علاوه بر این با قرار

1-Beck

2-L.yotard

3-Giddens& Pearson

Archive of SID

گرفتن جامعه در مسیر تحولات شتابان اقتصادی از یک سو و رخدادهای اجتماعی، سیاسی و تغییرات ناشی از آن از سوی دیگر، بستر مناسبی برای ظهور مسایل و مشکلات اجتماعی شکل گرفته است. از جمله این مشکلات اجتماعی و سیاسی، می توان به بی اعتمادی و سردرگمی، گسستگی پیوندهای اجتماعی، عدم جذب در بدنه اجتماعی، عدم مشارکت و در نتیجه انزوای اجتماعی اشاره کرد که انعکاس این مسایل را می توان در افزایش آسیب های اجتماعی نظیر بزهکاری و رفتارهای انحرافی و غیره از یک سو و در سست شدن پیوندهای اجتماعی و کاهش «پله ها و شبکه های حمایتی» و در نتیجه افزایش احساس ناامنی اجتماعی از سویی دیگر مشاهده کرد. فقدان احساس امنیت اجتماعی، ضمن رقم زدن دنیای مشوش و اضطراب زا برای شهروندان، با دامن زدن به انواع بیماری های جسمی، روانی، مالی، فکری و در نهایت بنیاد زندگی اجتماعی را دچار اختلال می نماید. پژوهش های مختلف از طریق مراجعه به افکار عمومی، این واقعیت را نشان می دهد که احساس امنیت اجتماعی به خصوص در جامعه مورد بررسی به اندازه امنیت عینی وجود ندارد و حاکی از مساله مند بودن احساس امنیت اجتماعی در کشورمان به طور کلی و در حاشیه شرق استان تهران به طور خاص است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

احساس ناامنی می تواند عوارض و ضایعات روان شناختی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی برجا گذارد. جنبه ذهنی و احساسی امنیت است که نمره کارنامه عملکرد دولت ها و سیستم های امنیتی را تعیین می کند (حسینی، ۱۳۸۶). امروزه نقش و اهمیت امنیت در پیشرفت هر جامعه ای تا بدان حد است که آن را بستر هرگونه توسعه ای می دانند. خصوصا در جوامع در حال توسعه که با انواع بحران ها و چالش های ناشی از عقب ماندگی و بی ثباتی ساختارهای مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... مواجه می باشند، امنیت نقش مهمی در توسعه جامعه ایفا می کند. امنیت و احساس امنیت از جمله نیازهای اساسی، حیاتی و دائمی جوامع است، بدین ترتیب ایجاد، حفظ و گسترش آن از اهداف، وظایف و ارزشهای بنیادین دولت ها می باشد، احساس امنیت جزئی جدا نشدنی از افکار عمومی و نگرش جامعه به امنیت است. مفهوم احساس امنیت،



یکی از شاخصه‌های کیفیت زندگی در شهرها است و آسیب‌های اجتماعی، از مهمترین پیامدهای ناامنی به شمار می‌روند (افتخاری، ۱۳۸۱: ۸). اهمیت بررسی و شناخت ابعاد و زوایای احساس امنیت این است که کنشگران (فردی و اجتماعی) در انجام کنش با مراجعه به ذهنیت روان‌شناختی و تاریخی خود به تصمیم‌گیری و انجام کنش اقدام می‌نمایند، چرا که رابطه بین ساختارهای عینی (امنیت) و صورت‌های ذهنی (احساس امنیت) مبنای تصمیم‌گیری افراد می‌باشد. بنابراین، کندوکاو علمی در این مساله و ابعاد پیچیده آن، می‌تواند در مداخله و کاهش تبعات آن کمک موثری نماید. اقبال نظری و عملی پلیس به موضوع احساس امنیت، به ارتقای توان و قابلیت کارکنان و سازمان این نیرو در تعامل و ارتباط سازنده و پویا با شهروندان در تولید امنیت کمک می‌نماید و در نهایت پویایی سازمان و در مقیاس فراتر از سازمان، بسط و گسترش نظم اجتماعی پویا را در پی دارد.

تغییرات پرشتاب، فزاینده و فراگیری که هر روزه با آهنگی سریع‌تر از دیروز، جوامع انسانی را دستخوش دگرگونی می‌سازند، توجه به سازه‌های تحلیلی و تجربی چون احساس امنیت اجتماعی را در حوزه‌های دانش نظری و سیاست‌گذاری اجتماعی برای سازمان پلیس، ضرورتی تازه بخشیده است (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۱). شناخت میزان اثرگذاری عملکرد پلیس در احساس امنیت فردی و اجتماعی از جمله پرسش‌های مهمی است که پاسخ به آن می‌تواند جایگاه این نهاد امنیتی در این عرصه را تبیین نماید. همچنین شناسایی عملکرد پلیس در ابعاد مختلف توانمندی، رفتار حرفه‌ای و فعالیت‌های اجتماعی بر احساس امنیت شهروندان تاثیر گذار است که حاکی از ضرورت و اهمیت تحقیق می‌باشد. نهادهای انتظامی نظیر پلیس باید بتوانند نقش و مسئولیت خود را متناسب با شرایط، نیازها، انتظارات و خواسته‌های جامعه به انجام برسانند. تحقق این امر، مستلزم دریافت اطلاعات یا به اصطلاح بازخوردهای لازم از جامعه است. موضوع مشارکت مردم در برقراری نظم و امنیت پویا و پایدار مطرح می‌شود و از طرفی شکل‌گیری محیط سازمانی سالم و کارآمد برای سازمان نیروی انتظامی مطرح است و تحقیقاتی از این دست می‌تواند به عنوان سازوکاری برای بازخوردگیری آگاهانه، زمینه‌های تحقق الگوی مبتنی بر تنظیم

Archive of SID

و کنترل همگام و پیش روی سازمان را فراهم آورد و بدین جهت به سازمان در جهت حرکت هوشمندانه به سوی مطلوبیت و اثربخشی بیشتر کمک می کند.

پیشینه پژوهش

غفاری (۱۳۹۰) در تالیف خود با عنوان سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی به تحلیل دو سازه سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی از ابعاد مختلف پرداخته و تبیین رابطه بین این دو سازه را مورد توجه قرار داده است. در بخشی از این اثر، کارکردهای امنیتی و انتظامی سرمایه اجتماعی از جنبه های کارکردهای آشکار و پنهان، کارکردهای امنیتی و پیشگیری از جرم به صورت مبسوط مورد بررسی قرار گرفته است.

تحقیقی با عنوان بررسی عوامل موثر بر ناامنی دختران ۱۶-۲۵ ساله شهر سنندج، توسط محمدی (۱۳۹۰) انجام گرفته، در این تحقیق تاثیر عوامل سن، وضعیت شغلی، محل سکونت، طرز پوشش، رسانه، و اعتماد به پلیس بر احساس امنیت یا ناامنی مورد بررسی و تایید قرار گرفته است.

طاهری و همکاران تحقیقی را با عنوان «رابطه نقش پلیس و احساس امنیت در شهر اصفهان» و با هدف تعیین رابطه نقش پلیس با احساس امنیت انجام داده اند. چارچوب نظری این تحقیق بنا به تناسب موضوع، نظریه های جامعه شناختی و مکاتب مربوط به این حوزه می باشد. روش تحقیق، پیمایش و نیز کتابخانه ای بوده است. جامعه آماری پژوهش، شهروندان شهر اصفهان بوده اند. حجم نمونه ۳۸۴ نفر و با استفاده از فرمول کوکران و با روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای در سه منطقه اصفهان به دست آمده است. مهمترین یافته های پژوهش، وجود رابطه مثبت و معنادار بین نقش پلیس و احساس امنیت در بین شهروندان اصفهانی است، اما در رابطه با معناداری هر یک از ابعاد؛ بعد جدیت پلیس با بعد فکری احساس امنیت، بعد عملکرد پلیس با بعد مالی و بعد جانی احساس امنیت؛ بعد توانایی پلیس با بعد جانی و بعد فکری احساس امنیت معنادار بوده، رابطه دیگر ابعاد، معنادار نبوده است. مدل معادله ساختاری پژوهش، حاکی از تایید داده های گردآوری شده با چارچوب نظری پژوهش است (طاهری و همکاران، ۱۳۹۱).

لیتل و راندا^۱ (۲۰۱۵)، پژوهشی با عنوان تأثیر رضایت از پلیس بر ترس از جرم در



محیط نیمه روستایی (روستا-شهر)، انجام داده است. این پژوهش رابطه بین رضایت از پلیس و ترس از جرم در بین شهروندان را بررسی می‌کند. و این موضوع اغلب در شهرهای بزرگ، بررسی و تجزیه و تحلیل شده است. داده‌های مورد استفاده برای این پروژه از طریق بررسی تلفنی جمع‌آوری شده است. تجزیه و تحلیل چند متغیره نشان داد که بین رضایت از پلیس و ترس از جرم و جنایت رابطه وجود دارد و سطح پایین رضایت از پلیس با سطوح بالاتر ترس همراه است. نتایج همچنین نشان می‌دهد که زنان، افراد مسن و کسانی که سطح بالاتری از اختلالات فیزیکی را درک می‌کنند، میزان ترس بیشتری دارند. لورنس و همکاران^۱ (۲۰۱۳)، پژوهشی تحت عنوان ترس از جرم و محیط‌زیست: مرور سیستماتیک با رویکرد شواهد کیفی در انگلستان انجام داده‌اند. بر اساس پیش فرض این پژوهش، ترس از جرم ممکن است پیامدهای منفی برای سلامتی و رفاه اجتماعی داشته و تحت تأثیر عوامل فیزیکی و محیط اجتماعی قرار دارد. این مطالعه با هدف بررسی و به دست آوردن شواهد کیفی از ترس جرم و محیط‌زیست در انگلستان است. ۱۸ پایگاه داده، از جمله پایگاه‌های اطلاعات جغرافیایی، بهداشت و علوم اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مطالعات کیفی انجام شده در انگلیس که داده‌های مربوط به ترس از جرم و محیط را ارائه می‌دادند، منبع مناسبی برای این کار بوده و رویکرد کیفی با استفاده از مدل نظری هاوکر و همکاران، بررسی و داده در قالب تئوری، ترکیب شده‌اند. در مجموع، ۴۰ مطالعه در این پژوهش، بررسی گردیده است. و بر اساس اهم نتایج حاصله، عوامل متعددی در محیط فیزیکی بر روی ترس از جرم، از جمله دید و مشاهده‌پذیری و نشانه‌های بی‌توجهی مدنی تأثیر می‌گذارند. با این حال به نظر می‌رسد، عواملی در محیط اجتماعی محلی، تأثیر بیشتری بر ترس از جرم گذاشته باشد. مهم‌ترین عامل در مدیریت ترس از جرم و جنایت از بعد اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، فامیلی و همسایگی، پیوندهای گروهی، سرمایه اجتماعی، یکدستی ساکنان محله و انسجام اجتماعی بوده‌اند.

پژوهشی با عنوان تأثیر ادراک شهروندان از پلیس محلی بر ترس از جرم: یافته‌های دوازده شهر، توسط ماتیو^۲ و همکاران (۲۰۰۳) انجام پذیرفته است. این

1-Lorenc

2-Matthew

Archive of SID

مطالعه با استفاده از بررسی دوازده شهر، به بررسی رابطه بین درک شهروندان از پلیس جامعه‌محور و ترس از جرم و جنایت پرداخته است. تحت فلسفه پلیس جامعه‌محور، کاهش ترس شهروندان نسبت به جرم، تبدیل به یک هدف قانونی برای پلیس شده است، بر اساس نتایج این تحقیق، ادراکات پلیس جامعه‌محور، تأثیرات مثبتی بر رضایت از رفتار پلیس و پیشگیری از جرم دارد. با این حال، درک شهروندان از پلیس جامعه‌محور به طور مستقیم بر سطح ترس تأثیر نمی‌گذارد. در نیمی از شهرهای مورد بررسی، رفتارهای پیشگیری از جرم با ترس از جرم رابطه معنی‌داری داشته‌اند. شنایدر و همکارانش (۲۰۰۳) با استفاده از ارزیابی رضایتمندی شهروندان از خدمات پلیس، رابطه معکوس بارزی بین رضایتمندی از پلیس و ترس از جرم و احساس ناامنی پیدا می‌کند (رنا‌آور، ۲۰۰۷: ۴۶).

مبانی نظری تحقیق

این پژوهش به دنبال فراهم آوردن درک روشنی از پدیده احساس امنیت و نیز بررسی و تبیین جامعه‌شناختی عواملی از عملکرد پلیسی مرتبط با آن است. احساس امنیت، امری جامعه‌شناختی و نوعی الزام اجتماعی است که از عاملیت فردی عبور کرده و به مثابه عنصری ساختاری و جمعی عمل می‌کند. احساس امنیت / ناامنی، گرچه در نوع فردی رخ می‌دهد، اما بازتابی از نیروهای جمعی یا بازنمایی‌کننده مسائل محیطی و اجتماعی است و بر همین اساس احساس امنیت با ساختار، زمینه‌های اجتماعی و با نهادهای و سازمان‌های نظام اجتماعی به ویژه عملکرد نهاد انتظامی (پلیس و ...) ارتباط می‌یابد. امنیت به معنی «محافظت در مقابل خطر، احساس ایمنی و رهایی از تردید می‌باشد» (بوزان، ۱۳۸۷: ۵۲). احساس ناامنی، جزئی جدا نشدنی از افکار عمومی و نگرش جامعه نسبت به امنیت بوده و وجود آن، البته تا درجاتی، طبیعی و غیرقابل حذف قلمداد می‌شود. در نتیجه، سیاست‌گذاران و مسئولان امنیتی نباید نسبت به اصل وجود احساس ناامنی در جامعه نگران شده و آن را تحمل ناپذیر بشمارند (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۱).

پژوهشگران سه رویکرد نظری عمده را در تجزیه و تحلیل و علت‌یابی پدیده احساس امنیت از یکدیگر متمایز کرده‌اند. اولین آنها با عنوان «آسیب‌پذیری» اعم از



آسیب پذیری های فیزیکی، روان شناختی و اقتصادی شناخته می شود. رویکرد دوم، امنیت سخت که بر علل و عوامل و زمینه های مادی و سخت افزاری تاکید دارد و رویکرد سوم که بر امنیت نرم و نیز جهان میان ذهنیت و زمینه های اجتماعی امنیت متمرکز است. این سه رویکرد، از نظر متغیرهای مستقل مورد مطالعه با هم تفاوت دارند (حسینی، ۱۳۸۶).

اولین رویکرد که در واقع، به نگاهی «جامعه-جمعیت شناسانه» شناخته می شود، از آن محققانی همچون مکینتایر^۱ (۱۹۶۷)، باکس، هیل و اندرزو^۲ (۱۹۸۸) می باشد. این محققین معمولاً در مطالعات خود بر عواملی همچون جنسیت، سن و موقعیت اجتماعی-اقتصادی تأکید کرده اند. مفهوم آسیب پذیری، به عنوان رویکرد نظری در این حوزه، به تعامل بین سه عامل، در قالب گزاره اشاره دارد: «انسان هایی که احتمال زیادی می دهند که در معرض جرم و ناامنی قرار گیرند، فاقد امکان دفاع موثر، اقدامات حفاظتی و یا امکان فرار باشند و پیش بینی کنند که به طور جدی در معرض تهاجم خواهند بود، آسیب پذیر خوانده می شوند». هر چند که آسیب پذیری شامل اجزای فردی، اجتماعی و موقعیتی می شود، این چارچوب، عمدتاً ناظر به متغیرهای فردی و اجتماعی مانند جنسیت، سن و موقعیت اقتصادی-اجتماعی می باشد. جنبه های موقعیتی آسیب پذیری، شامل تأثیرگذاری بر محیط فیزیکی، از نظر قرار گرفتن در معرض جرم و فقدان کنترل می شود. در رویکرد آسیب پذیری، جنسیت بیشترین قابلیت را برای توضیح و پیش بینی احساس ناامنی دارد. مطالعات بسیاری رابطه ی بین این دو پدیده را تأیید کرده اند و نشان داده اند که معمولاً زن ها بیشتر از مردها احساس ناامنی را گزارش می کنند (به نقل از حسینی، ۱۳۸۶: ۱۴-۱۳). دومین عاملی که ذیل رویکرد آسیب پذیری جا می گیرد، سن است. باور گسترده ای وجود دارد که افراد مسن بیش از دیگران می ترسند و این ترس ممکن است آنها را در خانه هایشان مجبوس کند (کوک و کوک^۳، ۱۹۷۶).

رویکردهای امنیت در ادبیات نظری تحقیق، به طور کلی در قالب دو رویکرد سنتی (امنیت سخت) و مدرن (امنیت نرم) مورد بررسی قرار گرفته است.

1-Mcintyre

2-Box,hale&Andrews

3-Cook&Cook

Archive of SID

امنیت، شاخص ها و عوامل آن در رویکرد سنتی، در سپهر قدرت سخت تبیین و ارزیابی می شود. نقش و جایگاه جامعه (افراد) در رویکرد سنتی به امنیت، بنا به دلایلی چون تمرکز این رویکرد بر قدرت سخت افزاری از یک سو و ابتناء آن بر تهدیدات دشمنان خارجی از سوی دیگر، به پایین ترین حد خود تنزل می یابد از این رو زمینه بالقوه برای بروز احساس ناامنی را فراهم می آورد. در مقابل این دیدگاه به ویژه از نیمه دوم قرن بیستم رویکرد و مطالعات امنیتی با نقد کاستی های رویکرد سنتی در تبیین امنیت عینی و به خصوص ابعاد ذهنی آن (احساس امنیت)، رویکرد اجتماعی را در تبیین امنیت مورد توجه قرار دادند. این رویکرد با تاکید بر بسترهای اجتماعی امنیت، هر گونه اعتقاد به انفکاک بین جامعه و دولت (قدرت) را رد نموده و بر عکس معتقد است که در شرایط تعامل میان دولت و مردم است که امنیت تولید و مبنای توسعه همه جانبه و پایدار قرار می گیرد چرا که در این رویکرد همه افراد جامعه در تولید امنیت نقش دارند و مبنای آن هم احساس امنیت، اعتماد، مشارکت و رضایت عمومی شهروندان است (حسینی، ۱۳۸۶: ۳۵-۳۴).

نظریه های جامعه شناختی پیرامون نظم و امنیت در قالب مکاتب و نظریه پردازان قابل بررسی است. هر یک از دیدگاه ها و نظریه پردازان از منظر خاصی به مسأله امنیت و احساس آن توجه نشان داده و پارادایم حاکم بر نگاه آنها، ابعاد و زوایای امنیت و احساس امنیت را واکاوی کرده است. در نظریه های جامعه شناختی با عطف توجه به ساختارهای اجتماعی و نقش و کارکرد آنها و تأمین رفتارهای مادی و معنوی جامعه به عنوان ساختار بندی نظم و امنیت عمومی برجسته شده است. صاحب نظران بنام در حوزه امنیت و امنیت اجتماعی نظریه های مختلفی ارائه کرده اند که برخی از آنها پلیس در جامعه را بر بنیاد نظریه های امنیتی - انتظامی به عنوان بانی امنیت، پررنگ تر از دیگران معرفی نموده اند.

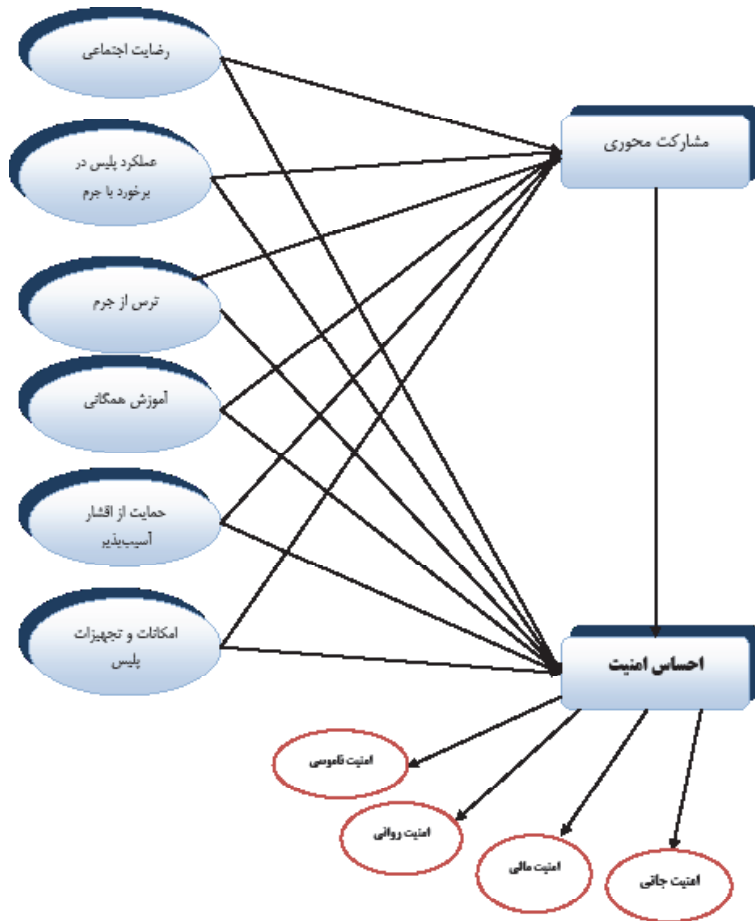
مساله و موضوع این پژوهش به طور کلی در قالب رویکرد و پارادایم جامعه محوری پلیس قابل طرح و تبیین است. اصل مهم در این رویکرد، اعتماد متقابل پلیس و شهروندان و مشارکت توأم با همدلی و رعایت هنجارها و ارزشهای اجتماعی است. در دیدگاه جامعه محوری، امنیت امری جدا از سایر امور و عوامل اجتماعی نیست. هدف پلیس در این رویکرد بالا بردن احساس امنیت، آرامش و رضایت شهروندان است و امنیت را با مشارکت نهادهای اجتماعی تأمین می کند. پلیس بخشی از



جامعه است و جدای از آن نمی باشد (هس و میلر، ۱۳۸۲: ۴۷-۴۳).

یکی دیگر از عوامل مهم موثر بر احساس امنیت شهروندان، آگاهی آنها نسبت به این موضوع است که پلیس در موارد اضطراری و فوریت‌های مورد نیاز آنها، به سرعت و به طور مناسب عکس العمل نشان خواهد داد (کیفیت ارائه خدمات، اطلاع رسانی و شفاف سازی). حجم واکنش‌ها و سطوح مختلف اجرا در سازمان پلیس ایجاد آرامش و امنیت خاطر شهروندان را در پی دارد. تاثیر مستقیم حضور پلیس در محل زندگی بر کاهش احساس خطر احتمالی از جرایم توسط شهروندان، موجبات رضایت و اطمینان و آرامش خاطر آنها را نیز فراهم می آورد (فرگوسن، ۲۰۰۷).

توانمندی و کارایی پلیس در انجام وظایف و ماموریت‌ها متناسب با انتظارات و مطالبات روز افزون جامعه؛ پاسخگویی و حمایت از حقوق شهروندی از سوی سازمان و کارکنان پلیس با اهرم‌ها و مکانیزم‌های خاص تعریف شده برای آن و اعتماد سازی متقابل شهروندان و پلیس و جلب مشارکت عمومی آنها در تولید و بازتولید امنیت اجتماعی پویا و روزآمد به عنوان اهداف غایی پلیس، تاثیر قابل توجهی بر احساس امنیت اجتماعی دارد. حمایت از حقوق شهروندی و پاسخگویی سازمان در قبال شهروندان یا دیگر نهادها و سازمان‌ها، در مقابل خودسری و عدم مسئولیت‌پذیری قرار می‌گیرد. پاسخگویی، نشانه‌ای برای ایجاد اعتماد و احساس امنیت خاطر و آرامش به شمار می‌آید. اگر سازمانی غنی، قابل دسترس و دارای نهادهایی با کارکرد مناسب باشد که استانداردها را تعیین نماید، بازبینی‌ها و کنترل‌های لازم را نسبت به رفتار و عملکرد کارکنان و دست‌اندرکاران خود به عمل بیاورد، در آن صورت خطر سوء استفاده تخفیف یافته و انتظام رویه‌ها تضمین خواهد شد و اعتماد و احساس امنیت به صورت یک پاسخ طبیعی، نمود پیدا خواهد کرد (زتومکا، ۱۳۸۶).



فرضیه های پژوهش

- ۱- به نظر می‌رسد بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، تحصیلات، درآمد، شغل، وضعیت تاهل و ...) و احساس امنیت رابطه وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین عملکرد موثر پلیس در مبارزه با جرائم و مصادیق ناامنی و احساس امنیت رابطه مستقیم وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین مشارکت محوری پلیس و احساس امنیت رابطه مستقیم وجود دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد بین آموزش همگانی، آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی پلیس و احساس امنیت رابطه مستقیم وجود دارد.



۵- به نظر می‌رسد بین رضایت اجتماعی از پلیس و احساس امنیت رابطه مستقیم وجود دارد.

۶- به نظر می‌رسد بین حمایت پلیس از اقشار و گروه‌های آسیب‌پذیر و احساس امنیت رابطه مستقیم وجود دارد.

۷- به نظر می‌رسد بین بهره‌گیری از امکانات و تجهیزات متناسب از جانب پلیس و احساس امنیت رابطه مستقیم وجود دارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش پیمایش، به لحاظ هدف کاربردی و از نظر سطح تعمیم، به صورت پنهانگر اجرا شده و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه جمع‌آوری گردیده است. جهت حصول اطمینان از اعتبار پرسشنامه، از اعتبار محتوایی و اعتبار ساختاری استفاده شده و همچنین با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی در باب اعتبار ساختاری داوری شده است. برای سنجش پایایی^۱ مقیاس‌های مورد استفاده در تحقیق، از ضریب آلفای کرونباخ^۲ استفاده شده است. میزان ضریب آلفای کرونباخ بدست آمده برای همه مفاهیم تحقیق بزرگتر از ۰/۷۰ می‌باشند. جامعه آماری پژوهش، شامل شهروندان ساکن در شرق استان تهران در گروه سنی ۱۵-۶۴ سال می‌باشد که بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، به تعداد ۹۲۶۵۲۹ نفر هستند (سایت مرکز آمار ایران). بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی (فرمول کوکران)، تعداد نمونه ۳۸۴ نفر و با استفاده از روش نمونه‌گیری احتمالی^۳ خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب گردیدند. در این روش ابتدا از بین شهرهای موجود در شرق استان تهران (ورامین، پیشوا، قرچک، پاکدشت، رودهن، بومهن پردیس و دماوند) بر مبنای قضاوت و دانش عمومی پژوهشگر و نتایج تحقیقات مشابه شهر (ورامین، پاکدشت و پردیس) جهت نمونه‌گیری انتخاب گردید. در مرحله بعد در هر شهر، محله‌های مختلف مشخص شده و سپس از بین آنها دو محله انتخاب می‌گردد و در مرحله بعد هر یک از این محله‌ها به تناسب خیابان اصلی

1-Reliability

2-Cronbach coefficient

3-Multistage cluster probability sampling



و فرعی، بلوک‌بندی شده و در نهایت از بین بلوک‌های هر محله، دو بلوک انتخاب گردید.

جدول شماره ۱: شاخص پایایی مقیاس های پژوهش

مفهوم	χ^2/df	NFI	CFI	RMSEA
احساس امنیت	۱/۷۷	۰/۹۷	۰/۹۸	۰/۰۷۱
مشارکت محوری پلیس	۱/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۰۵۸
مبارزه با جرم و ناامنی	۱/۹۳	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۰۶۷
امکانات و تجهیزات پلیس	۲/۹۳	۰/۹۵	۰/۹۴	۰/۰۷۸
رضایت اجتماعی	۲/۲۲	۰/۹۵	۰/۹۴	۰/۰۷۴
آموزش و آگاه سازی	۱/۴۳	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۰۷۷
حمایت از اقشار آسیب پذیر	۰/۸۷	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۰۱۱

با توجه به داده های مندرج در جدول، تمامی شاخص های برازش در سطح مطلوب قرار دارند لذا می توان گفت، گویه های انتخاب شده برای سنجش متغیرهای پژوهش از روایی لازم برخوردار بوده و به خوبی می توانند مفاهیم مورد نظر را بسنجند.

یافته های پژوهش

۱- یافته های توصیفی

جدول شماره ۲: توزیع نسبی پاسخگویان بر حسب ابعاد مفهوم احساس امنیت

موارد	امنیت جانی درصد	امنیت مالی درصد	امنیت ناموسی درصد	امنیت روانی درصد
کم	۲۵/۸	۶۷/۷	۲۳/۹	۲۴/۴
متوسط	۲۸	۲۴/۳	۲۸/۸	۳۵/۱
زیاد	۴۶/۲	۸	۴۷/۴	۴۰/۴
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
شاخص آماری	M = ۳/۴۰ SD = ۰/۸۰	M = ۲/۳۱ SD = ۰/۴۸	M = ۳/۲۵ SD = ۰/۸۱	M = ۳/۲۱ SD = ۰/۸۰



نتایج حاصل از گویه‌های سازنده ابعاد سازنده احساس امنیت حاکی از این است که بیشترین میزان احساس امنیت، مربوط به گویه‌های بعد «احساس امنیت جانی» و کمترین میزان احساس امنیت مربوط به بعد «احساس امنیت مالی» می‌باشد.

۲- یافته‌های استنباطی

متغیرهای زمینه‌ای: به منظور مقایسه احساس امنیت شهروندان بر حسب سن آنها از آزمون تحلیل واریانس استفاده شده است نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه مؤید این مطلب است که بین احساس امنیت اجتماعی شهروندان در سنین مختلف در سطح خطای کمتر از ۱ درصد و با ۹۹ درصد اطمینان تفاوت معناداری وجود دارد. ($P=0/001$).

بر اساس یافته‌های آزمون ($t=17/462, P < 0/01$) می‌توان گفت بین احساس امنیت مردان و زنان تفاوت معناداری وجود دارد، به نحوی که مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد میانگین احساس امنیت در بین مردان ($3/33$) بیشتر از میانگین احساس امنیت زنان ($2/65$) می‌باشد و این تفاوت به لحاظ آماری معنادار می‌باشد.

انسان‌هایی که احتمال زیادی می‌دهند که در معرض جرم و ناامنی قرار گیرند، فاقد امکان دفاع موثر، اقدامات حفاظتی و یا امکان فرار باشند و پیش‌بینی کنند که به طور جدی در معرض تهاجم خواهند بود، آسیب‌پذیر خوانده می‌شوند و سن و جنسیت (سالخوردگان، زنان و ...) از عوامل موثر در این زمینه است. در کنار این آثار نظری، برخی پژوهشگران نیز با اجرای میدانی پژوهش، ارتباط بین سن و جنس و احساس امنیت را به دست آورده‌اند پژوهش گرانی چون کارو^۱ و همکاران (۲۰۰۸)، (قدرتی و همکاران، ۱۳۹۱)، محمدی (۱۳۹۰) تأیید کرده‌اند که سن و جنس به عنوان متغیرهای زمینه‌ای بر احساس امنیت تأثیر دارند، که با یافته‌های این پژوهش نیز هم جهت است.

نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه مؤید این مطلب است که بین احساس امنیت شهروندان با تحصیلات مختلف در سطح خطای کمتر از ۱ درصد و با ۹۹ درصد اطمینان تفاوت معناداری وجود دارد ($P=0/030$). این

Archive of SID

رابطه در تحقیق بیات (۱۳۸۷) و نجیبی و ربیعی (۱۳۸۵) نیز تایید شده است. به نحوی که احساس امنیت با تحصیلات تکمیلی کمتر از سایرین می‌باشد. با این حال این پرسش مطرح می‌شود که چرا با افزایش تحصیلات، از احساس امنیت اجتماعی کاسته می‌شود؟ به نظر می‌رسد افراد واجد تحصیلات بالاتر، با آگاهی بیشتری که از واقعیت اجتماعی موجود دارند، شرایط ناامنی آن را بهتر شناخته و خود نیز تحت تأثیر این شناخت و آگاهی قرار می‌گیرند و در نتیجه احساس امنیت کمتری می‌کنند.

نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یک راهه مؤید این مطلب است که بین احساس امنیت شهروندان با درآمد مختلف در سطح خطای کمتر از ۱ درصد و با ۹۹ درصد اطمینان تفاوت معناداری وجود دارد ($P=0/001$). این رابطه در تحقیق نوروزی (۱۳۸۸)، کامران (۱۳۸۹)، نجیبی و ربیعی (۱۳۸۵) نیز تایید و در تحقیق ربانی (۱۳۸۸) رد شده است.

بر اساس یافته‌های آزمون ($t=0/528, P > 0/05$) می‌توان گفت بین احساس امنیت مجردها و متأهل‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد، البته مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد میانگین احساس امنیت در بین مجردها (۳/۰۲) تا حدودی بیشتر از میانگین احساس امنیت اجتماعی متأهل‌ها (۲/۹۹) می‌باشد، اما این تفاوت به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. این نتیجه مطابق با نتایج تحقیق ربانی (۱۳۸۸) بوده و آن را تایید می‌نماید.

نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یک راهه مؤید این مطلب است که بین احساس امنیت شهروندان با شغل مختلف در سطح خطای کمتر از ۱ درصد و با ۹۹ درصد اطمینان تفاوت معناداری وجود دارد ($P=0/001$) و این نتیجه تایید کننده نتایج تحقیق زنجانی زاده (۱۳۸۱)، نوروزی (۱۳۸۸) و محمدی (۱۳۹۰) می‌باشد.

آزمون فرضیه های تحقیق

در این بخش و به کمک اجرای چندبار رگرسیون خطی چندمتغیره و تکنیک تحلیل مسیر به بررسی تأثیر مجموع عوامل مؤثر بر احساس امنیت پرداخته شده است که نتایج آن به قرار زیر است؛

جدول شماره ۳: آماره‌های تحلیل رگرسیونی عوامل مؤثر بر احساس امنیت

شاخص‌ها	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R ^۲)	ضریب تعیین تعدیل شده (R ^۲ _{Adj})	آماره فیشر (F)	سطح معنی داری (Sig)
مدل	۰/۷۵۳	۰/۵۶۷	۰/۵۵۸	۶۱/۱۰۸	۰/۰۰۱

بر مبنای اطلاعات جدول (۳) ۵۶ درصد از واریانس متغیر احساس امنیت توسط مجموع متغیرهای مستقل تبیین گردیده و با توجه به معنادار بودن آماره فیشر می‌توان گفت که مجموع متغیرهای مستقل مذکور، دارای ضریب تأثیر معنی دار در مدل مسیر بوده اند.

جدول شماره ۴: بررسی میزان و جهت عوامل مؤثر بر احساس امنیت

متغیر	ضریب رگرسیونی استاندارد شده	t	سطح معنی داری
عدد ثابت	-	۴/۶۶۹	۰/۰۰۱
مشارکت محوری پلیس	۰/۳۹۲	۵/۸۲۴	۰/۰۰۱
رضایت اجتماعی	۰/۳۴۵	۴/۹۸۷	۰/۰۰۱
عملکرد پلیس در برخورد با جرائم	۰/۳۰۹	۴/۴۴۶	۰/۰۰۱
آموزش همگانی	۰/۲۴۶	۳/۹۷۶	۰/۰۰۱
حمایت از اقشار آسیب پذیر	۰/۲۰۰	۳/۶۴۰	۰/۰۲۳
تجهیزات و امکانات	۰/۰۹۸	۱/۸۹۰	۰/۰۷۱

داده های مندرج در جدول (۴) نشان می دهد به جز متغیر «تجهیزات و امکانات» سایر متغیرها از عوامل مؤثر بر احساس امنیت می باشند، همچنین نتایج حاکی از این است متغیرها تأثیر مستقیم و معناداری بر احساس امنیت دارند. در بین متغیرهای مستقل، مشارکت محوری پلیس بیشترین تأثیر را بر احساس امنیت داشته اند. ضریب بتای ۰/۳۹۲ مشارکت محوری پلیس بدان معناست که به ازای یک انحراف معیار افزایش در مشارکت محوری پلیس، احساس امنیت، ۰/۳۹۲ انحراف معیار افزایش می یابد. از آنجا که جهت این رابطه مستقیم است، تغییر به صورت مستقیم و از نوع فزاینده می باشد. تفسیر عوامل دیگر نیز بدین صورت است و صرفاً شدت اثر تغییر می کند.

شایان ذکر است این نتایج با یافته های فراتحلیل انجام گرفته در این زمینه (در مجموع مطالعات انجام شده، احساس امنیت افراد بیشتر متأثر از اعتماد شهروندان به پلیس (با اندازه اثر ۰/۳۶۲)، فعالیت اجتماعی (با اندازه اثر ۰/۳۶۲) و مشارکت اجتماعی (با اندازه اثر ۰/۳۶۰) پلیس بوده است) منطبق است.

ضریب پیوستگی متغیرها و ضریب مسیر مدل ساختاری پژوهش

ضریب هم‌تغییری و پیوستگی متغیرهای پژوهش به همراه ضریب مسیر آن‌ها در جدول شماره (۵) ارائه شده است.

جدول شماره ۵: ضریب همبستگی و ضریب مسیر متغیرهای پژوهش

ضریب مسیر کلی		ضریب همبستگی		متغیرهای پژوهش	
سطح معنی داری	مقدار تی	مقدار اثر	سطح معنی داری	مقدار ضریب	وابسته / مستقل
۰/۰۰۱	۵/۸۲۴	۰/۳۹۲	۰/۰۰۱	۰/۵۹۶	مشارکت محوری پلیس
۰/۰۰۱	۴/۹۸۷	۰/۳۴۵	۰/۰۰۱	۰/۵۰۰	رضایت اجتماعی
۰/۰۰۱	۴/۴۴۶	۰/۳۰۹	۰/۰۰۱	۰/۴۶۹	عملکرد پلیس در برخورد با جرائم
۰/۰۰۱	۳/۹۷۶	۰/۲۴۶	۰/۰۰۱	۰/۴۲۷	آموزش همگانی
۰/۰۲۳	۳/۶۴۰	۰/۲۰۰	۰/۰۰۱	۰/۳۵۱	حمایت از اقشار آسیب پذیر
ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۵۶۷					

نتایج حاکی از این است متغیرها تأثیر مستقیم و معناداری بر احساس امنیت دارند. بر اساس نتایج تحقیق، ۵۶ درصد از واریانس متغیر احساس امنیت توسط مجموع متغیرهای مستقل مورد نظر تبیین گردیده و به ترتیب متغیرهای؛ مشارکت محوری پلیس، رضایت اجتماعی و عملکرد پلیس در برخورد با جرائم دارای بیشترین تأثیر می‌باشند.



نتایج حاصل از تحلیل مسیر عوامل موثر بر احساس امنیت

جدول شماره ۶: نتایج حاصل از تحلیل مسیر عوامل موثر بر احساس امنیت

کل اثر	اثر غیر مستقیم	اثر مستقیم	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۳۹۲	-	۰/۳۹۲	احساس امنیت	مشارکت محوری پلیس
۰/۲۷۳	$(۰/۱۸۸) \times (۰/۳۹۲) = (۰/۰۷۳)$	۰/۲۰۰		حمایت پلیس از افسار آسیب پذیر
۰/۳۹۰	$(۰/۳۴۱) \times (۰/۳۹۲) = (۰/۰۴۵)$	۰/۳۴۵		رضایت اجتماعی از عملکرد پلیس
۰/۴۳۳	$(۰/۳۱۷) \times (۰/۳۹۲) = (۰/۰۱۲۴)$	۰/۳۰۹		عملکرد پلیس در برخورد با جرم
۰/۳۲۸	$(۰/۲۱۱) \times (۰/۳۹۲) = (۰/۰۸۲)$	۰/۲۴۶		آموزش همگانی

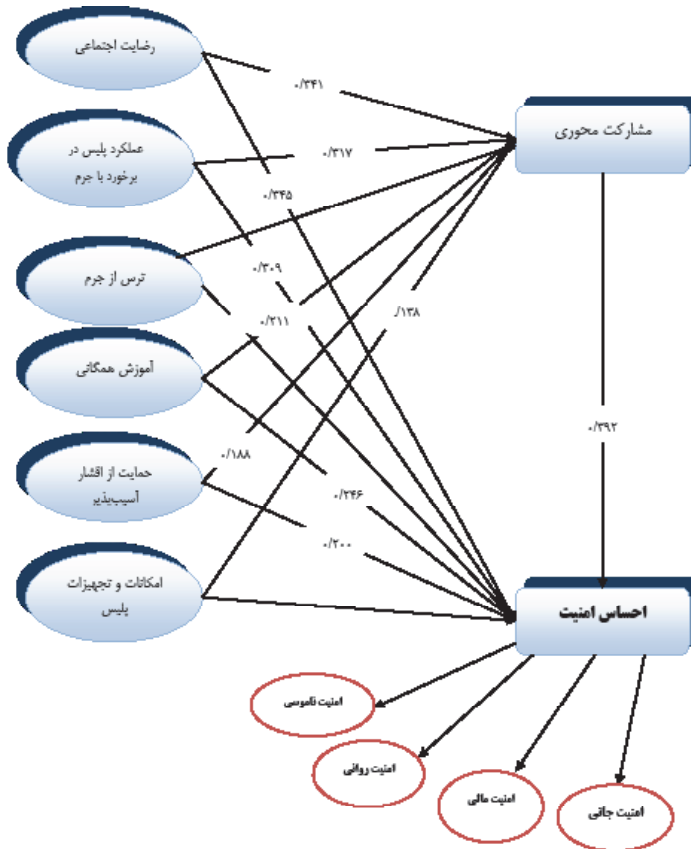
متغیرهای «رضایت اجتماعی»، «عملکرد پلیس در برخورد با جرائم»، «آموزش همگانی»، «حمایت از افسار آسیب پذیر» و «تجهیزات و امکانات مناسب» به عنوان متغیرهای مستقل معرفی شدند و متغیر «مشارکت محوری پلیس» در نقش متغیر واسطه است که در این قسمت، به بررسی نتایج حاصل از تحلیل مسیر عواملی پرداخته می شود که بر احساس امنیت تأثیر گذاشته اند. البته قبل از اشاره به این نتایج، باید گفت که متغیرهای مستقل به سه شیوه (الف: اثر صرفاً مستقیم، ب: اثر صرفاً غیرمستقیم، ج: اثر مستقیم و هم غیرمستقیم) و با ضرایب تأثیر مختلف بر احساس امنیت (به عنوان متغیر وابسته) تأثیر داشته اند که در قسمت زیر به بررسی سهم نسبی تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته پرداخته شده است:

الف) متغیرهایی که صرفاً به طور مستقیم بر متغیر وابسته تأثیر می گذارند؛ با توجه به نتایج تحلیل مسیر مشخص است که «مشارکت محوری پلیس» به عنوان یک متغیر کلیدی و واسط می باشد و از سایر متغیرها تأثیر پذیرفته و بر احساس امنیت تأثیر می گذارد. بر طبق نتایج، مشارکت محوری پلیس با ضریب $(۰/۳۹۲)$ بر احساس امنیت تأثیر مثبتی داشته است. ب) متغیرهایی که علاوه بر تأثیر مستقیم به صورت غیرمستقیم (با واسطه متغیر مشارکت محوری پلیس) بر احساس امنیت تأثیر می گذارند؛ متغیر «رضایت اجتماعی از عملکرد پلیس» (با ضریب مسیر $۰/۳۴۵$) علاوه بر تأثیر مستقیم بر احساس امنیت، با واسطه متغیر «مشارکت محوری پلیس» (با ضریب $۰/۰۴۵$) تأثیر فزاینده بر احساس امنیت دارد. متغیر «عملکرد پلیس در برخورد با جرم» (با ضریب مسیر $۰/۳۰۹$)

Archive of SID

علاوه بر تأثیر مستقیم بر احساس امنیت، با واسطه متغیر «مشارکت محوری پلیس» (با ضریب ۰/۱۲۴) تأثیر فزاینده بر احساس امنیت دارد. متغیر «آموزش همگانی پلیس» (با ضریب مسیر ۰/۲۴۶) علاوه بر تأثیر مستقیم بر احساس امنیت، با واسطه متغیر «مشارکت محوری پلیس» (با ضریب ۰/۰۸۲) تأثیر فزاینده بر احساس امنیت دارد. ج) تغییری که صرفاً به صورت غیرمستقیم (با واسطه متغیر مشارکت محوری پلیس) بر احساس امنیت اجتماعی تأثیر می گذارند؛ متغیر «وضعیت امکانات و تجهیزات پلیس» با واسطه متغیر «مشارکت محوری پلیس» (با ضریب ۰/۱۳۸) تأثیر فزاینده بر احساس امنیت دارد.

مدل تحلیل مسیر عوامل موثر بر احساس امنیت





۲۳۵

این تحقیق با هدف بررسی و تبیین تاثیر عملکرد پلیس جامعه محور بر احساس امنیت به انجام رسید. پلیس جامعه محور، عبارت است از راهبرد و خط مشی انتظامی که با هدف دستیابی به کنترل موثر و کارآمد جرایم، کاهش ترس از جرم و جنایت، توسعه کیفیت زندگی و رضایت اجتماعی، تقویت سرمایه های اجتماعی و مشروعیت کار پلیس از طریق تکیه بر منابع جامعه دنبال می شود. جلب رضایت، اعتماد و مشارکت مردم از رئوس برنامه ها و اهداف پلیس در این رویکرد است. درون مایه و محتوی اهداف فوق به گونه ای است که رفتار و نگرش مردم جایگاه ممتاز و بنیادینی در ارتباط با پلیس یافته به گونه ای که موجودیت، تداوم حیات و سرزندگی پلیس بدون حضور این عناصر مردمی غیرممکن و منتفی خواهد بود. بر همین اساس تبیین کم و کیف نگرش مردم (میزان شناخت، رضایت، مشارکت، آگاهی اجتماعی و ...) عوامل موثری در موفقیت و دستیابی پلیس به اهداف فوق الذکر می باشند. از این روست که موضوع نگرش جامعه به مقوله امنیت و عملکرد پلیس در کانون توجه قرار گرفته و بر این اساس متغیرهایی چون (مشارکت، رضایت و ...) احصاء و استخراج گردیده و در فرایند تحقیق مورد آزمون تجربی قرار گرفته است که به تلخیص آن در ادامه اشاره می شود.

مشارکت محوری پلیس، ۰/۳۹۲ از تغییرات احساس امنیت را تبیین می نماید و این تاثیر معنی دار است. مشارکت محوری پلیس، مکانیسم اصلی ارتقای احساس امنیت است. نتایج پیرسون نیز حاکی از معنی داری ضریب همبستگی مشارکت محوری پلیس با احساس امنیت (۰/۵۹۶) است. بر این اساس مشارکت محوری پلیس تاثیر مستقیمی بر روی احساس امنیت شهروندان داشته و افزایش مشارکت اجتماعی با پلیس، مکانیسم و سازوکار مناسبی جهت تقویت و ارتقای احساس امنیت است. دیدگاه های نظری درباره موضوع مذکور در آراء (گیدنز، ۱۳۷۸)، (میس و اورتمایر، ۱۳۸۵)، (هس و میلر، ۱۳۸۲)، (طاهری، ۱۳۸۸)، (غفاری، ۱۳۹۰)، (افتخاری، ۱۳۸۱) و (بیات، ۱۳۸۶) آمده است. در کنار این آثار نظری، برخی پژوهشگران از جمله بیات (۱۳۸۷)، میرزایی و حسنوند (۱۳۹۱) و طاهری (۱۳۸۸) با اجرای میدانی پژوهش، ارتباط بین مشارکت محوری پلیس و احساس

Archive of SID

امنیت به دست آورده‌اند که با یافته‌های پژوهش فعلی نیز هم جهت است. متغیر رضایت اجتماعی از عملکرد پلیس در مدل تجربی پژوهش، توانسته ۰/۳۴۵ از احساس امنیت را تبیین و پیش‌بینی نماید. نتایج ضریب همبستگی همچنین حاکی از این است که هم‌تغییری تجربه این متغیرها برابر با ۰/۵۰۰ است. رضایت اجتماعی از پلیس و تأثیر آن در احساس امنیت شهروندان در آثار نظری (هس و میلر، ۱۳۸۲)، (فرگوسن، ۲۰۰۷)، (حسینی مقدم و همکاران، ۱۳۹۱) و (حسینی، ۱۳۸۶) مطرح گردیده است. این موضوع در پژوهش‌های کریمی (۱۳۹۲)، محسنی و حیدری (۱۳۸۷) و ماتئو و همکاران (۲۰۰۳) مورد آزمون و تایید تجربی قرار گرفته است.

عملکرد پلیس در برخورد با جرائم در سطح جامعه، ۰/۳۰۹ از تغییرات احساس امنیت را تبیین می‌نماید و این تأثیر معنی‌داری است. نتایج همبستگی پیرسون نیز حاکی از معنی‌داری ضریب همبستگی این متغیرها (۰/۴۶۹) است. مبارزه با جرائم و ناهنجاری‌های اجتماعی، از بدیهی‌ترین وظایف و مسئولیت‌های ذاتی پلیس در تمام جوامع به حساب می‌آید. تأثیر امنیت عینی بر جنبه ذهنی امنیت (احساس امنیت) در دیدگاه (حسینی، ۱۳۸۶)، (غفاری، ۱۳۹۲)، (بیات، ۱۳۸۷) و (طاهری، ۱۳۸۸) مورد تأکید و مورد آزمون تجربی و تایید قرار گرفته است که با نتایج این پژوهش نیز همخوانی دارند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آموزش همگانی، آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی پلیس با احساس امنیت رابطه معنی‌داری (۰/۴۲۷) دارند. در تحلیل مسیر، این متغیر توانسته ۰/۲۴۶ از احساس امنیت را تبیین نماید. هرچه اطلاع‌رسانی، آگاه‌سازی و آموزش همگانی پلیس بیشتر باشد، احساس امنیت هم بیشتر خواهد شد. هرچه شهروندان از وظایف، عملکرد، ساختار سازمانی و سایر مسائل مربوط به پلیس و نظم و امنیت، اطلاعات بیشتر و دقیق‌تری داشته باشند میزان آگاهی آنها افزایش یافته و همین امر سبب اعتمادسازی در سطح جامعه شده که نتیجه آن افزایش میزان سرمایه اجتماعی پلیس و تقویت احساس امنیت اجتماعی می‌باشد. در دیدگاه‌های نظری و تجربی (فرگوسن، ۲۰۰۷)، (مجیدی و انصاری رنالی، ۱۳۸۸)، (زتومکا، ۱۳۸۶) غفاری (۱۳۹۲) مورد تایید قرار گرفته است.



حمایت پلیس از اقشار و گروه‌های آسیب‌پذیر، یکی از مکانیسم‌های مؤثر در احساس امنیت است. این متغیر در مدل تحلیل مسیر توانسته ۰/۲۰۰ از احساس امنیت اجتماعی را تبیین نماید و مقدار ضریب همبستگی آن دو متغیر برابر با ۰/۳۵۱ است. این موضوع در مطالعات (طاهری، ۱۳۸۸)، مکینتایر^۱ (۱۹۶۷)، باکس، هیل و اندرزو^۲ (۱۹۸۸)، (کوک و کوک^۳، ۱۹۷۶) و (حسینی، ۱۳۸۶) مطرح گردیده است.

بر اساس یافته‌های تحقیق، عملکرد پلیس (نهاد و کارگزاران) از طریق پابندی و رعایت اصول و ارزش‌های اخلاقی و حقوق شهروندی، پاسخگویی، شفافیت سازمانی، اعتمادسازی، جلب مشارکت‌های اجتماعی و باز تولید و تقویت سرمایه‌های اجتماعی، به کارگیری مطلوب و هدفمند از پلیس و داشتن اقتدار در مبارزه با جرایم، آسیب‌های اجتماعی و ناهنجاری‌های جامعه می‌تواند حلقه مفقوده حل و تبیین مساله احساس ناامنی باشند. فعالیت‌های اجتماعی پلیس، می‌تواند احساس آرامش و امنیت و همچنین شبکه‌های اجتماعی حمایتی از حقوق شهروندی را به ارمغان بیاورد و شهروندان زمانی در تمام امور از جمله تامین امنیت عمومی، مشارکت می‌نمایند که احساس کنند از کلیه حقوق حقه آنها دفاع شده و شخصیت، حیثیت، جان، مال، آزادی و استقلال آنها از هرگونه خطر و تهدیدی مصون مانده و همچنین دریابند که در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، از نظریات و پیشنهادها سازنده آنها حداکثر بهره‌برداری به عمل آمده و به طور کلی خود را به عنوان یک عضو فعال و مشارکت‌جو در تامین نظم و امنیت بدانند.

با تقویت هر یک از مولفه‌های مربوط به عملکرد پلیس، ذهنیت شهروندان نسبت به امنیت عمومی شهر محل زندگی‌شان ارتقا می‌یابد. علاوه بر این، هرچه دیدگاه شهروندان نسبت به مولفه‌های عملکرد پلیس، مانند مشارکت محوری، شفافیت سازمانی و اطلاع‌رسانی و ایجاد آگاهی از وظایف و عملکرد پلیس، پیشگیری و مبارزه جدی با جرایم و سایر فعالیت‌ها و عملکرد پلیس مثبت‌تر باشد، میزان تعاملات و مشارکت آنها با پلیس افزایش یافته و بستر

1-Mcintyre

2-Box,hale&Andrews

3-Cook&Cook

Archive of SID

تحقق رویکرد پلیس جامعه محور در جهت ارتقای احساس امنیت عمومی نیز فراهم می شود. در واقع ارزیابی مثبت شهروندان از عملکرد پلیس، در ارتباط مستقیم با برقراری امنیت عمومی کم هزینه تر و پایدارتر و ارتقای احساس امنیت و آسایش آنان در جامعه است. فرسایش سرمایه اجتماعی پلیس بر عملکرد این نهاد اثرگذاری مستقیم داشته و احساس امنیت شهروندان را نیز تحت تاثیر قرار می دهد.

سنجش اثربخشی و کارایی عملکرد پلیس از طریق آمار و ارقامی نظیر تعداد متخلفین دستگیرشده، نرخ برخورد با جرایم و مواردی از این قبیل اگر چه می تواند نشان دهنده عملکرد و کارایی پلیس باشد با این وجود، بازنمایی دقیق از این موضوع ارایه نمی کند و بر اساس نتایج این تحقیق، در سنجش اثربخشی عملکرد پلیس در ارتقای احساس امنیت شهروندان، علاوه بر جنبه عینی، بایستی جنبه ذهنی آن را نیز مدنظر قرار داد به عبارت دیگر در ارزیابی اثربخشی این نهاد، بایستی آنچه را که شهروندان از پلیس می خواهند و انتظار دارند مورد توجه قرار گیرد. اغلب شهروندان در مورد مطالعه، کارایی و اثربخشی عملکرد پلیس در ایجاد و ارتقای احساس امنیت را در رویکرد جامعه محوری، مشارکت پذیری، حمایت از اқشار آسیب پذیر، پاسخگویی در قبال عملکرد فردی و سازمانی، شفافیت در فرایندها، طرح ها، برنامه ها و عملکرد و مواردی از این قبیل مورد ارزیابی قرار داده اند به طور کلی می توان عنوان نمود که عملکرد پلیس هنگامی موثر و کارا شناخته می شود که این ذهنیت را در میان شهروندان نیز ایجاد نماید.

پیشنهادها

- در این تحقیق اگر چه تلاش شده است تا با بهره گیری از یک دستگاه نظری مناسب، تبیین جامع تری از مدعای تبیینی تحقیق ارائه گردد، با این حال ۵۶ درصد از واریانس احساس امنیت اجتماعی تبیین شده و ۴۴ درصد واریانس پس مانده وجود دارد، واریانس پس مانده مربوط به عوامل دیگری می شود که آن عوامل در این پژوهش حضور ندارند و قطعاً بخش عمده ای از آن مرتبط با عملکرد پلیس نمی باشند. امید است پژوهشگران دیگر با در نظر



گرفتن آن عوامل و با استفاده از معرف‌های تجربی مناسب تر و دستگاه نظری که در آن مفاهیمی با قابلیت تبیینی بیشتری حضور داشته باشد، تحقیق در باب احساس امنیت را ادامه دهند.

• نتایج و یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میانگین احساس امنیت شهروندان متوسط بوده و با حد مطلوب آن فاصله دارد. بر اساس تبیین نظری تحقیق و یافته‌ای تجربی آن، عوامل و مولفه‌هایی از عملکرد پلیس وجود دارد که باعث افزایش یا کاهش احساس امنیت در بین شهروندان می‌شود. بنابراین بر اساس این یافته‌ها، لازم است برنامه ریزی‌های اصولی برای تقویت و ارتقای هر یک از علل و عوامل موثر در افزایش احساس امنیت اجتماعی از کانال عملکرد پلیس صورت پذیرد.

• آمارهای توصیفی مربوط میزان احساس امنیت به تفکیک ابعاد مختلف آن، نشان می‌دهد که بعد احساس امنیت مالی دارای میانگین کمتری از سایر ابعاد است بر این اساس، پلیس‌های تخصصی مربوطه (پلیس آگاهی، پلیس پیشگیری و ...)، بایستی در این زمینه اقدامات و تمهیداتی را جهت پیشگیری و برخورد با علل موثر بر احساس ناامنی مالی (سرقت و ...) پیش بینی و عملیاتی نمایند.

• شفافیت سازمانی: اطلاع‌رسانی فراگیر و مستمر از دستاوردها، خدمات و شفاف‌سازی بیشتر از فرایند فعالیت‌ها و نیز نارسایی‌ها و ناکامی‌ها و آسیب‌شناسی پلیس در سطح درون و برون سازمانی صورت پذیرد که در صورت تحقق این مهم، پلیس از نظر مردم به عنوان نهادی پیش‌بینی پذیر خواهد بود، طوری که حاضر خواهند بود به گونه‌ای معتمدانه در فعالیت‌های پلیس مشارکت نمایند.

• حمایت پلیس از مشارکت‌های اجتماعی از طریق اقداماتی چون (تقویت و توسعه سامانه نظارت همگانی ۱۹۷، فعالیت‌های اجتماعی پلیس، توسعه پلیس‌های افتخاری و ...) باعث تشویق و ترغیب شهروندان برای مشارکت‌های بیشتر می‌شود. چنین رویکردی منجر به ارتقای سرمایه اجتماعی پلیس شده و تسهیل‌کننده تعامل اجتماعی بوده و موجبات احساس امنیت و آسایش خاطر مردم را نیز فراهم می‌آورد.

منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱)، ساخت اجتماعی امنیت؛ درآمدی بر جامعه شناسی امنیت، فصلنامه دانش انتظامی. شماره ۱۱.
- بیات، بهرام (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت شهروندان تهرانی (با تأکید بر رسانه‌های جمعی، عملکرد پلیس و بروز جرایم)، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال اول، شماره اول، صص ۳۱-۵۵.
- بیات، بهرام (۱۳۸۶)، تبیین جامعه شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی، رساله دکتری رشته جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان.
- بی زیان، علیرضا (۱۳۹۱) «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی خانواده» مجله مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳۰، تابستان ۹۱، صص ۷۸-۵۳.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- حسینی، حسین (۱۳۸۶)، احساس امنیت: تاملی نظری بر پایه یافته های پژوهشی، فصلنامه امنیت، سال پنجم، شماره ۴، صص ۷-۵۱.
- حسینی، حسین (۱۳۸۶)، مدیریت احساس امنیت در جامعه، فصلنامه امنیت، سال ششم، شماره ۱، صص ۱۴۸-۱۱۱.
- دلاور، علی و جهاتاب، محمد (۱۳۹۰)، تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، دوره دوم، شماره ۲۷، صص ۷۳-۹۵.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۶)، اعتماد نظریه جامعه شناختی، ترجمه غلامرضا غفاری، تهران: نشر شیرازه.
- طاهری، زهرا، ربانی، رسول و ادیبی، مهدی (۱۳۹۱)، رابطه نقش پلیس و احساس امنیت در شهر اصفهان، پژوهشنامه امنیت و نظم اجتماعی، سال اول، شماره اول، بهار ۹۱، صص ۲۱-۳۸.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰)، سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- کارن، ام هس؛ لینداس اس، میلر (۱۳۸۶)، پلیس در اجتماع: راهبردهایی برای



۲۴۱

قرن بیست و یکم، ترجمه محمدرضا کلهر، تهران: نشر سروش.

• گیدنز، آنتونی، پیرسون، کریستوفر (۱۳۸۱)، معنای مدرنیت، گفت و گو با آنتونی

گیدنز، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: کویر.

• صالحی امیری، سیدرضا و افسر افشارنادری (۱۳۹۰)، مبانی نظری و راهبردی

مدیریت ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی، فصلنامه راهبرد، سال ۲۰، شماره ۵۹،

ص ۴۹-۷۶.

• محمدی، جمال و مرادی پادوک، مریم (۱۳۹۰)، بررسی احساس امنیت زنان در

مناطق مختلف شهری، مطالعه موردی: مناطق ۵ و ۱۳ اصفهان، مطالعات جامعه

شناختی شهری، سال سوم، شماره نهم، زمستان ۹۲، صص ۱۵۵-۱۷۲.

• غفاری، غلامرضا (۱۳۹۲)، نظم و امنیت اجتماعی در آراء و نظریه های جامعه

شناسی، تهران، پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا.

• Beck, U. (2007). Risk society: Towards a New Modernity. London: Sage seventh reprinted.

• Cook, fl&Cook, TD (1976)Evaluating the rhetoric of crisis : a case study of criminal victimization of the elderly. Social Service review, vol. 50, pp.632- 246.

• Ferguson, kiristin m. (2007) Modeling fear of crime in dalas Neighborhoods: A test of social capital theory, crime, Delinquency, volum 53, number, 322- 349.

• Lorenc T1, Petticrew M, Whitehead M, Neary D, Clayton S, Wright K, Thomson H, Cummins S, Sowden A, Renton A(2013),Fear of crime and the environment: systematic review of UK qualitative evidence. Part of the Springer Series on Evidence-Based Crime Policy book series (SSEBCP) BMC Public Health. 2013 May 24;13:496. doi: 10.1186/1471- 2458- 13- 496.

• Lytle Daniel J., Ryan Randa(2015),The Effects of Police Satisfaction on Fear of Crime in a Semirural Setting, First Published November 15, 2016 Research Article, See discussions, stats, and author profiles for this

publication at: <https://www.researchgate.net/publication/277311654>.

• Matthew C. Schneider , Towanda, Veh Bezdikian (2003) The Impact of Citizen Perceptions of Community Policing on Fear of Crime: Findings from Twelve Cities, Volume: 6 issue: 4, page(s): 363- 386, Issue published: December 1, 2003
<https://doi.org/10.1177/109861110225069>.

• Renauer, Brian. C. (2007). Reducing fear of crime: Citizen, Police, or Government Responsibility? The journal of police Quarterly, volume 10: Number 1, March 2007 41- 62, 2007: Sage Publications, <http://pqx.sagepub.com>.

